

## فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتاد و چهارم

تابستان ۱۳۹۷

## شهر حله در قرن هفتم تا نهم هجری؛ یک سنجش تمدنی

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲۲

تاریخ تأیید: ۹۷/۷/۱

علی بیات<sup>۱</sup>محمدعلی کاظم بیگی<sup>۲</sup>حبیب‌اله بابائی<sup>۳</sup>

واکاوی تحولات تاریخی با بهره‌گیری از شاخص‌های جدید تمدنی، می‌تواند به دوری در باره فقدان یا وجود، و در صورت اخیر، سنجش سطح و میزان فرایند تمدنی در برش‌های گوناگون تاریخی مدد رساند. این نوشتار، به بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و تحولات شهر حله در عصر مغولان با تکیه بر این شاخص‌ها پرداخته است. مهم‌ترین شاخص‌های تمدنی در مطالعات نوین عبارت‌اند از: گستردگی، علم و دانش، رواداری و مهار خشونت، عمران و آبادانی، جایگاه زنان و فرودستان، و ادبیات.

مجموعه شواهد گردآوری‌شده، نشانگر آن است که در این دوره بحرانی، شهر شیعه‌نشین حله، دارای یک فرایند تمدنی بوده است. این پژوهش با رویکرد تمدنی و با روش ترکیبی تاریخی و تمدنی و با تکیه بر منابع تاریخی مانند: تواریخ محلی حله، فهرس نسخ خطی، تواریخ عمومی، تراجم، دائرةالمعارف‌ها و پاره‌ای پژوهش‌های نو انجام گرفته است.

۱. دانشیار دانشگاه تهران.

۲. دانشیار دانشگاه تهران.

۳. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، رشته تاریخ تمدن و ملل اسلامی، رئیس مرکز مطالعات

اجتماعی و تمدنی: habz109@gmail.com

## کلیدواژگان: حله، عصر مغولان، تاریخ تشیع، تمدن سنجی، تمدن اسلامی.

### مقدمه

نسبت تمدن و تشیع را از دو دیدگاه متفاوت می‌توان بررسی نمود؛ از یک دیدگاه، می‌توان تحولات تمدنی در میان شیعیان را در تاریخ جست‌وجو کرد و پیشینه دنیای اسلام را با تمرکز بر نقش و سهم شیعیان بررسی نمود و از دیدگاهی دیگر، می‌توان تشیع و ظرفیت‌های آن را نه در گذشته و تاریخ، بلکه در وضعیت کنونی و آینده مطالعه کرد. از این جهت، تشیع، نه به مثابه یک رخداد تاریخی، بلکه به مثابه یک گفتمان فکری و مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گرچه می‌توان به هر دو جنبه تشیع و تمدن تأکید کرد و مقالات و کتاب‌های متعددی در این باره نگاشت، اما آنچه در این مقاله مورد تأکید قرار می‌گیرد، جنبه‌های تاریخی و تجربه تمدنی در گذشته تاریخ تشیع است. در پیشینه تاریخی تشیع، هم نقطه‌های برجسته فراوانی به لحاظ تمدنی قابل مشاهده است که شایسته است در دوره‌های تاریخی تشیع مانند دوره بسط تشیع در دوره امیرمؤمنان علیه السلام، دوره تأسیس<sup>۱</sup> تشیع از عصر امام جعفر صادق علیه السلام، و دوره دفاع و ردّ شبهات از دوره غیبت کبری تاکنون، تحلیل و بررسی شود. آنچه در این نوشته مورد تأکید قرار دارد، تحولات و تطورات تمدنی در شهر حله در بحرانی‌ترین شرایط تاریخی آن، یعنی در دوره حمله مغول است. تمرکز اصلی در این مقاله، طرح و تطبیق شاخص‌های نوین تمدنی، یعنی ادبیات مدرن امروز، بر شهر تاریخی حله است تا معلوم گردد آیا شهر حله - آن هم در مقیاس شهربودنش - در دوره زمانی قرن هفتم تا نهم هجری می‌تواند به عنوان یک نمونه تمدنی، آن هم با شاخص‌های

۱. لفظ «تأسیس»، به معنای به وجود آمدن تشیع و ساخته شدن آن در سده‌های دوم به بعد نیست. تأسیس اصل تشیع، مربوط به دوره عصر نبوی است؛ اما شکل‌گیری ادبیات آن در قالب یک گفتمان متمایز با هویتی متفاوت و در نسبت با جریان‌های کلامی و فقهی دیگر، مربوط به دوره امام صادق علیه السلام می‌باشد.

مدرن امروزین مطرح شود؟ آیا تشیع در گذشته تاریخی‌اش در شهری مانند حله، توانسته است مثالی تمدنی از مذهب تشیع به وجود آورد؟ تأکید بر دوره زمانی قرن هفتم تا نهم هجری، از آن روست که مکتب حله، چندین دوره تاریخی را سپری کرده است: الف. دوره تمهید که نخستین دوره فرهنگی در حله است، از سال ۴۹۵ هجری آغاز می‌شود و تا سال ۵۶۲ هجری ادامه می‌یابد؛ ب. دوره تأسیس که از سال ۵۶۲ هجری شروع شده و تا ۶۲۰ هجری ادامه می‌یابد؛ ج. دوره طلایی و یا شکوفایی فرهنگ حله که از سال ۶۲۱ هجری (زمان محقق حلی) تا سال ۷۷۱ هجری (وفات فخرالمحققین) استمرار می‌یابد؛ د. دوره ضعف و رکود و پسرفت علمی در حله که از سال ۷۷۱ شروع شده و و به سال ۸۴۱ هجری هم‌زمان با دولت مشعشعیان در اهواز و تسری آن به بغداد، نجف و حله به پایان می‌رسد؛ ه. دوره زوال فکر و فرهنگ در حله که از سال ۸۴۱ تا سال ۹۵۱ فرایند انحطاط فکری و فرهنگی در آن به انجام می‌رسد.

آنچه در این مقاله مورد توجه است، دوره‌های سوم (نقطه اوج) و چهارم حله (شروع دوره رکود) خواهد بود. در این مقاله، با تطبیق شاخص‌های نوین تمدن بر شهر حله، دو مسئله ثابت می‌شود: اولاً، شاخص‌های تمدن و گاه خود تمدن را می‌توان در مقیاس کوچک‌تری مانند یک شهر نیز مطالعه و یا اثبات کرد؛ ثانیاً، صورت‌بندی تمدن همواره پدیده‌ای عام دینی و فراتر از مذهب نبوده است؛ بلکه گاه یک مذهب مانند تشیع توانسته است تجربه‌ای تمدنی داشته، یا نمونه‌های تمدنی بیافریند.

در این باره، آثار ذیل قابل توجه است:

- «بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حله و نقش آن در فرهنگ و تمدن

اسلامی از سده پنجم تا سده نهم»، از دکتر زهرا طاهری پور (دانشگاه پیام نور)؛

- «مکتب حله از منظر تاریخ و جایگاه آن در اندیشه امامیه»، از دکتر محمد حاجی

تقی (دانشگاه شهید بهشتی)؛

- «الصلات الثقافية بين الحلة ومدن الشرق الاسلامي من خلال رحلات العلمية من القرن السابع حتى نهاية القرن التاسع الهجريين»، از ايمان عبید و ناس (دانشگاه بابل در حله)؛

- «الحياة الفكرية في الحلة في القرنين السابع والثامن الهجريين»، از ماجد عبد زيد احمد الخزرجي (دانشگاه مستنصریه بغداد).

علاوه بر رساله‌های فوق در دانشگاه‌های ایران و عراق، کتاب‌های متعددی نیز در این باره نوشته شده است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- مزیدیان، پژوهشی دربارهٔ اوضاع سیاسی و فرهنگی امیرنشین مزیدی اسدی در حله، از عبدالجبار ناجی یاسری؛

- مدرسة الحلة العلمية ودورها في حركة التأصيل المعرفي، از عیسی حسن حکیم؛

- الحوزة العلمية في الحلة نشأتها وانكماشها الاسباب والنتائج، از عبدالرضا عوض؛

- الحياة الفكرية في الحلة خلال القرن التاسع الهجري، از يوسف الشمري؛  
- مدرسة الحلة وتراجم علمائها من النشوء الى القمة، از حيدر السيد موسى وتوت الحسيني.

در این موضوع، سه مقاله از احمد رضا خضری (مزیدیان و نقش آنان در گسترش تمدن اسلامی)، محمد حاجی تقی (جغرافیای تاریخی حله؛ بستر شکوفایی مدرسه حله در دوره ایلخانی) و همچنین یدالله نصیریان (سیف الدوله، امیر نامدار بنی‌مزید و حوزه علمی حله سیفیه)، از جمله مقالات ارزشمندی است که در موضوع حله و البته با رویکردی متفاوت از رویکرد تمدنی در این مقاله، نگاشته شده است. گفتنی است که با وجود نوشته‌ها، مقالات و رساله‌های متعددی که در موضوع «حله» نوشته شده است، اما تطبیق

شاخص‌های تمدن در ادبیات جدید بر تحولات فرهنگی و اجتماعی حله در تاریخ اسلام، تاکنون در هیچ نوشته و مقاله‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است.

### ۱. تعریف تمدن و شاخص‌های مدرن آن

پژوهش در باره مرکزیت شهر حله در تمدن اسلامی در دوره مغول‌ها، در گام اول نیازمند تبیین و تعریف مفهوم تمدن، و در گام دوم شاخص‌های نوین تمدن است؛ تا بتوان با ذکر شواهد تاریخی تمدنی در این شهر، به مدعای خود دست یافت. در تعریف تمدن باید گفت که اساساً تمدن، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نظام (ابرنظام) اجتماعی در حال تحول، توسعه و تسری است که در بستر روابط انسانی و در کلان‌ترین ساحت‌های اجتماعی رخ می‌دهد.<sup>۱</sup> برای بررسی ابعاد تمدنی در مورد شهر حله، لازم است شاخص‌های تمدن، چه در ادبیات مدرن و چه در ادبیات دینی و قرآنی بررسی گردد و آن‌گاه یک‌به‌یک در تاریخ شهر حله جست‌وجو و انطباق داده شود. موضوع اصلی این مقاله، تطبیق شاخص‌های مدرن تمدن بر شهر حله است. شاخص‌های مدرن تمدن، ضرورتاً در تضاد با شاخص‌های دینی نیستند؛<sup>۲</sup> هرچند تقریر و تبیین هر یک از منظر اسلامی و غربی، ممکن است کاملاً متفاوت باشد.

در ادبیات مدرن غرب، نخستین شاخص در تمدن بودن و تمدن شدن، گستره و وسعت یک تمدن است. این گستردگی و کلان‌بودن، در ابعاد جغرافیایی (وسعت جغرافیایی)، ارتباطی (ارتباط با دیگر نقطه‌های تمدنی دیگر)، سیستمی (شمولیت سیستمی در یک جامعه) و تاریخی (ریشه‌ها و تبار تاریخی) است.<sup>۳</sup>

۱. رک: بابائی، «تنوع اسلامی در فرایند تمدنی»، تقد و نظر، ص ۷ - ۸.

۲. هر یک از شاخص‌های مدرن فوق، می‌تواند شاخصی برای تمدن بودن و یا تمدن شدن جهان اسلام نیز باشد؛ البته اگر این شاخص‌ها بر مبنای عرفی و سکولار غرب بنیان نشوند و قرائت لیبرال از آنها بر دیگر روایت‌های ممکن از علم، حقوق بشر، دموکراسی، تساهل و کنترل خشونت تحمیل نشود.

3. See Edward A. Tiryakian, "Introduction : The Civilization of Modernity and the Modernity of Civilizations", *International Sociology* 2001 16: 277, p. 281.

شاخص مهم دیگر و شاید مهم‌ترین آن که مورد علاقه تمدن‌پژوهان غربی می‌باشد، کنترل خشونت در یک تمدن است. همه تمدن‌ها در درون خود، خشونت‌های انسانی را کنترل می‌کنند و سطحی از صلح و امنیت را در جامعه به وجود می‌آورند. اساساً معنای هنجاری بودن تمدن نیز در همین مهار خشونت نهفته است.<sup>۱</sup>

شاخص سوم برای تمدن در ادبیات مدرن، وجود نظم و انضباط است. نظم مذکور به عنوان شاخص تمدنی، صرفاً نظم و انضباط اجتماعی نیست؛ بلکه انضباط (discipline) و پروردگی روح (cultivation) افراد و جامعه را نیز دربرمی‌گیرد.<sup>۲</sup> با تأکید بر مقوله نظم و انضباط، مقوله عدالت را می‌توان گاه به عنوان ریشه و خاستگاه نظم و انضباط، و گاه به عنوان حاصل نظم و به مثابه یک شاخص مهم تمدنی در عصر جدید به حساب آورد.

آخرین شاخص مهمی که متفکران جدید آن را مورد توجه قرار می‌دهند، توانایی تمدن در استفاده از فناوری برای ایجاد و تأمین رفاه و آسایش (متفاوت از آرامش) در جامعه است. جامعه فاقد این ویژگی، بدون شک از منظر ادبیات مدرن، متصف به تمدن نخواهد شد.<sup>۳</sup>

علاوه بر شاخص‌های تمدنی فوق، شاخص‌های دیگری در تمدن شدن ذکر شده است؛ از جمله اخلاق و آزادی، جایگزینی قوانین شهری به جای حقوق و قوانین نظامی و حفظ حقوق زنان و ضعیفان<sup>۴</sup> و «علمی بودن» عناصر و سازه‌های مختلف اجتماعی.<sup>۵</sup>

1. See: Arpad Szokolczai, "Civilization and its Sources", *International Sociology* 2001 16: 369, p. 371-372.

2. See: Jay Newman, "Two Theories of Civilization", *Philosophy*, Vol. 54, No. 210 (Oct., 1979), pp. 473-483, p. 476.

3. See Mazlish, "Civilization in a Historical and Global Perspective", p. 297.

4. Ibid.

5. Bierstedt, "Indices of Civilization" p. 483-490.

## ۲. تشیع در شهر حله<sup>۱</sup>

خاستگاه تشیع در شهر حله، مردمان شیعه‌مذهبی بودند که در مناطق زیادی از حله سکونت داشتند. روستاهای بریسمما، مطیرآباد، امیریه، مزیدیه، سیب‌های علیا، سفلی و میانه، طفوف، قوسان یا قسین و روستای رودخانه سابس، قصر ابن هبیره، جامعین، کوئی، ابوحطب، نجمی یا نجمیه، سورا، بابل، نرس و قلیدیه، همه ساکنانش شیعه امامی بودند.<sup>۲</sup> بسیاری از زیارتگاه‌ها و مراقد امامان و فرزندانشان از اهل بیت علیهم‌السلام، در منطقه فرات میانه که در بین دو شهر مقدس نجف و کربلا قرار دارد، پراکنده بودند. علاوه بر مراقد و زیارتگاه‌ها که از حله تا نجف وجود داشته، مقامات قابل توجهی در مناطق مختلف حله وجود داشت که هریک در شیوع فرهنگ شیعی اثرگذار بوده‌اند؛ مانند مقام امام موسی کاظم علیه‌السلام در شهر نیل، و مقام امام کاظم علیه‌السلام در روستای مطیرآباد. علاوه بر این، علمای امامی بسیاری هم از این شهرها برخاسته‌اند که هرکدام در رواج فرهنگ شیعی سهمی وافر داشتند.<sup>۳</sup> اکنون سؤال این است که مذهب شیعی و فراگیربودن آن، چه تأثیر اجتماعی در حله داشته است و آیا در وضعیت شیعی، مسلمانان در این شهر تجربیاتی در سطوح تمدنی داشته‌اند و یا حضور این مذهب در این شهر، عملاً نظام مناسبات انسانی در آن را مختل کرده، امکان تجربه تمدنی در آن را بازستانده بود؟ در این قسمت، شاخص‌های مدرن تمدن یک‌به‌یک بر این شهر تطبیق داده می‌شود تا فرایند تمدنی و سطح آن، مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.

۱. حله، شهری قدیمی در میانه عراق و مرکز استان بابل است که در اواخر قرن پنجم توسط سیف الدوله مزیدی بنا گردیده است. این شهر، بین راه بغداد به نجف قرار دارد و در سده‌های ششم تا نهم، یکی از مراکز مهم شیعی و خاستگاه بزرگانی همچون علامه حلی و محقق حلی بوده است.

۲. وتوت الحسینی، *مدرسة الحله وتراجم علمائها من النشوء الى القمة*، ص ۲۶ - ۳۷.

۳. ناجی الیاسری، *مزیدیان؛ پژوهشی در باره اوضاع سیاسی و فرهنگی امیرنشینین مزیدی اسدی در حله*،

### شاخص نخست: گستردگی و وسعت شهر حله

مسئلاً شهر حله به لحاظ جغرافیایی شهری کوچک بوده و وسعت چندانی برای ایجاد یک تمدن و یا حتی یک حکومت نداشته است. از جهت تاریخی نیز حله مانند شهر کوفه، تبار تاریخی طولانی‌ای نداشته است؛ ولی به جهت گستردگی ارتباطی و سیستمی، این شهر برخوردار از عنصر وسعت در تمدن بوده است. شهر حله، فرهنگی درهم‌تنیده داشته است که یکی از جلوه‌های مهم آن را می‌توان در وجود خاندان‌های متنوع علمی و فرهنگی مشاهده کرد؛ مانند آل مزید (از بنیان‌گذاران حله و اولین امرای آن)، آل بطریق (از خاندان‌های بزرگ علم و ادب در حله)، آل أعرج (از سادات حسنی و در شمار خاندان‌های علم و فقه در حوزه حله)، آل سعید (از خاندان‌های بزرگ علمی و دینی شیعه)، آل مطهر (از قبیله بنی‌اسد)، آل مَعِیَه (از سادات حسینی و از نقیبان عراق)، آل طاووس (از خاندان‌های مهم حرکت‌های فکری و فرهنگی در حوزه حله)، آل نما و آل سعید که با وجود تنوع و گستردگی‌شان، از نظم و انضباط علمی و فرهنگی برخوردار بودند و همین امر، تأثیر بسیار بزرگی در رشد و توسعه فکری در حله برجای گذاشت.<sup>۱</sup> اساساً هر خاندان، در جایگاه یک نهاد بزرگ فرهنگی، موج عظیم فرهنگی - دینی به وجود می‌آورد و افراد و مخاطبان متنوعی را با قدرت جمعی‌اش (یک نهاد نظام‌مند و انباشته از علما و بستگان)، از خود متأثر می‌کند. امواج فرهنگی برآمده از چندین خاندان، در کنار یکدیگر، فرهنگ یک شهر و یا جغرافیای فرهنگی یک ملت را به کلی دگرگون ساخته، زمینه شکل‌گیری یک موج تمدنی را هرچند در مقیاس جغرافیایی کوچک‌تر، ممکن می‌سازد که نمونه آن را در دوره قبل از میلاد در تمدن کارتاژ<sup>۲</sup> (تونس امروز)، می‌توان مشاهده کرد.

۱. عوض، الحوزة العلمية في الحلة نشأتها وانكماشها الأسباب والنتائج (۵۶۲-۹۵۱ق/۱۱۶۷-۱۵۴۴م)، ص ۱۵۶.

۲. کارتاژ یا همان قرطاج (به یونانی: Καρχηδών برگرفته از واژه فنیقی «قرت حدشت: Kart-hadasht به معنای شهر نو؛ به لاتین: Carthago)، در دوره زمانی ۸۱۴ تا ۱۴۶ قبل از میلاد در شمال آفریقا (تونس کنونی) وجود داشته است و با مرکزیت خود توانسته بود تمدنی پدید آورد.



به لحاظ گستره ارتباطی، شهر حله یکی از راه‌های ارتباطی و تجاری دنیای عرب در قبل و بعد از اسلام بوده است. از یک سو، هوای مناسب و معتدل حله، و از سوی دیگر، رودخانه‌ها، خاک حاصل‌خیز، نخلستان‌های فراوان و محصولات کشاورزی حله باعث شده بود که حله در مسیر تجارت قرار گیرد. این شهر در زمان سیف‌الدوله (ت ۵۲۹ق) آبادانی بیشتری پیدا کرد و در نتیجه، رفت‌وآمد تجار به این شهر افزایش یافت.<sup>۱</sup>

### شاخص دوم: رواداری و کنترل خشونت

شهر حله، در بدترین شرایط و بحرانی‌ترین وضعیت اجتماعی و سیاسی، توانست خود را از خشونت دور نگاه داشته و رواداری و تساهل را در این شهر ایجاد کند. یکی از مختصات مهم فرهنگی در شهر حله، تنوع و تکثری بود که جمعیت حله هم به لحاظ ملیتی و هم به لحاظ دینی داشتند. جمعیت حله، ترکیبی از ملت‌های کرد (با خصوصیت شجاعت، اقدام و روحیه نظامی‌گری که در پیروزی بنی‌مزید (۳۵۰ تا ۵۴۵ هجری) نقش اصلی را داشتند)، عرب، ترک و فارس (دیلمیان)<sup>۲</sup> بود که البته غلبه با عرب‌ها و قبیله بنی‌اسد، و سپس قبیله خفاجه و قبایل عباده و عقیل بود.<sup>۳</sup> مسیحیان، در محله جُب سکونت داشتند و از آزادی در زندگی و عمل برخوردار بودند.<sup>۴</sup> یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های بومی در حله، یهودیان بودند.<sup>۵</sup> گفته شده است که در این شهر تا قبل از قرن نهم هجری، ده هزار یهودی غالباً در منطقه برملاحه (ذی‌الکفل) که در آن قبر حزقیال عليه السلام بوده است، سکونت داشته‌اند. حضور یهودیان در این شهر، برای فعالیت تجاری بوده است. چهار معبد برای

۱. الحلی، المناقب المزیدیة فی اخبار الملوک الاسدیة، ج ۱، ص ۲۳.

۲. عوض، الحوزة العلمیة فی الحلة نشأتها وانکماشها الأسباب والنتائج، ص ۳۱۱.

۳. کرگوش، تاریخ الحلة، ج ۱، ص ۴۸-۴۹؛ و نیز ر.ک: الشمري، الحیاة الفکریة فی الحلة خلال القرن

التاسع الهجری، ص ۳۱-۳۲.

۴. همان، ص ۳۴.

۵. الهروی، الإشارات الی معرفة الزیارات، ص ۷۶.

یهودیان وجود داشته است که ابوالحسن علی بن ابی بکر الهروی (ت ۱۱۶ق / ۱۲۱۴م) از آن دیدن کرده است.<sup>۱</sup> شهر سورا که از مراکز اطراف شهر حله بود، مقر رأس الجالوت بوده است.<sup>۲</sup> با وجود یهودیان در این شهر و دشمنی ریشه‌داری که میان یهودیان و مسلمانان وجود داشته است،<sup>۳</sup> هیچ نوع برخوردی میان شیعیان و یهودیان در حله گزارش نشده است. اگر چنین اتفاقی رخ می‌داد، تاریخ‌نگاری مسلمانان به سطحی از توانایی رسیده بود که همانند واقعه کرخ بغداد، گزارشی از برخوردهای خشن در شهری مانند حله (در نزدیکی بغداد) ثبت کند. جالب اینکه شغل یهودیان در حله آن‌چنان که گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد، تجارت، طبابت و یا حضور در دستگاه دیپلماسی بوده است و این، نشان از آزادی آنها در این شهر داشته است.<sup>۴</sup>

شرایط متنوع فرهنگی و مذهبی در حله و اینکه حله، حلقه اتصال شهرهای مقدس عراق، باعث شد دیگر مذاهب نیز بتوانند در حله کرسی‌های علمی و علمی خود را برپا سازند و در خصوص آرای یکدیگر تحمل و تسامح بورزند. نمونه بارز این تسامح را

۱. همان.

۲. الشمري، *الحياة الفكرية في الحلة خلال القرن التاسع الهجري*، ص ۳۴. این سخن، از سوی برخی دیگر از محققان رد شده و عنوان شده است که ده هزار یهودی در حله، و چهار کنیسه در آن، مربوط به دوران عباسی در حله می‌شود و نه دوره مغول‌ها و سقوط خلافت عباسی. از نظر علی کامل حمزه سرحان، وضع یهود در عهد جلائریین بسیار بد بود و زندگی بر یهودیان بسیار سخت می‌گذشت و تعداد آنها بسیار کم شد. البته از همین منظر، قبل از جلائری‌ها آنگاه که سعدالدوله یهودی در دستگاه ارغون نفوذ داشت، توانست سلطان را نسبت به اهمیت و نقش یهود آگاه کند. (ر.ک: علی کامل حمزه سرحان، *اليهود في الحلة، دراسة تاريخية لأحوالهم الاجتماعية والاقتصادية والسياسية*، ص ۱۹-۲۰.

۳. ر.ک: بقره، آیه ۱۲۰: «ولن ترضى عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم.»

۴. التظليل، *رحلة بنيامين*، ص ۱۴۴؛ خضابک، *العراق في عهد المغول*، ص ۲۰۴؛ الشمري، *الحياة الفكرية في*

*الحلة خلال القرن التاسع الهجري*، ص ۴.

می‌توان در کتاب *الشمول فی اسباب النزول* مشاهده کرد که آن را احمد بن عمر القطیعی (۵۶۳ ق/ ۱۱۶۸ م) از فقهای حنبله، در شهر حله نوشت.<sup>۱</sup>

شیوه مواجهه علمای شیعه با اهل سنت نیز نشان از رواداری با اقلیت‌های مذهبی در این شهر دارد. سید بن طاووس (م ۶۶۴ هجری) نسبت به اهل سنت به لحاظ فکری و به لحاظ عملی و زیستی، نگاهی گشاده و خارج از تعصب داشت. سید بن طاووس کتاب‌های فراوانی از اهل سنت خوانده بود و با ادبیات آنها کاملاً آشنا بود و از آثار آنها به وفور در نوشته‌های خود نقل کرده است. فراوانی کتب علمای اهل سنت در کتابخانه سید بن طاووس، نشان می‌دهد او به نوشته‌های اهل سنت (شاید برای مناظره با سنیان) علاقه داشته و بسیاری از مطالب آنها را در کتاب‌های خود نقل نموده است.<sup>۲</sup> از جمله کتاب *طرائف*<sup>۳</sup> و *یا ملاحم*<sup>۴</sup> ایشان، بر پایه روایات اهل سنت نوشته شده است. همین طور در کتاب *سعد السعود*<sup>۵</sup> روایات سنی سه برابر روایات شیعی است که نشان‌دهنده تعداد بالای کتاب‌های مربوط به اهل سنت نزد سید بن طاووس است. همین طور کتاب *الیقین*<sup>۶</sup> که برای

۱. الحکیم، *مدرسة الحلة العلمية*، ص ۲۱.

۲. آنچه کتابخانه سید بن طاووس را به جهات فرهنگی مهم جلوه می‌دهد، صرف انباشت کتاب در آن کتابخانه نیست؛ بلکه نوع کتاب، تعداد، موضوعات و کثرت کتاب است که آن را به لحاظ فرهنگی مهم می‌سازد. ابن طاووس کتابخانه خود را برای فرزندش، محمد توصیف کرده و انواع کتاب‌های خود را که برای فرزند خویش باقی می‌گذارد، برشمرده و توضیح داده است. (ر.ک: سید بن طاووس، *برنامه سعادت*، (ترجمه)، ص ۱۷۰-۱۷۶)

۳. سید بن طاووس، *طرائف*، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۱ ش.

۴. همو، *الملاحم والفتن فی ظهور الغایب المنتظر*، قم: الشریف الرضی.

۵. همو، *سعد السعود*، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ ش.

۶. همو، *الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بأمره المؤمنین*، قم: دار الکتب، ۱۴۱۳ ق.

مناظره نوشته شده است، نوعاً مشتمل بر احادیث و آرای اهل سنت است.<sup>۱</sup> با همین رویکرد بود که سید توانست نیروهای مذهبی دربار خلافت را با شیعیان همسو کند. وی با وجود موقعیت اجتماعی و سیاسی اش، از خود جهت‌گیری‌های تند سیاسی علیه مذاهب نشان نداد و نوعی آرامش و همزیستی بین مذاهب را تمهید نمود.<sup>۲</sup>

#### شاخص سوم: عمران و آبادانی در حله

حضور مزیدیان (۳۵۰-۵۴۵ هجری) در حله، هم‌زمان بود با آل بویه (۳۲۲-۴۴۷ هجری) و سلجوقیان (سده پنجم و ششم هجری). با وجود اینکه بنی‌مزید صحرانشین بودند و ارزش‌های صحرانشینی همچون پرورش نیروی نظامی و شیوه‌های جنگی میان آنان رواج داشت، ولی فعالیت‌های عمرانی آنان جدی بود. «تصمیم بنی‌مزید برای ساختن شهر حله در جای کنونی و تلاش برای بازسازی و شکوفایی این منطقه مهم زراعی، دلیل روشنی بر سلامت فکری آنان در زمینه‌های مدنی و اقتصادی است.»<sup>۳</sup> مزیدیان فعالیت‌های عمرانی مختلفی را مانند: ساخت پل، سد، ایجاد باغ‌های زیبا و ساختمان‌های باشکوه در حله به انجام رساندند و این، نشان از آن داشت که «صحرانشینی بنی‌مزید، از نوع ویرانگر و مخرب نبوده است. آنها نه تنها به غارت و چپاول شهرها و روستاها و نواحی آباد زراعی نمی‌پرداختند، بلکه به عکس، اهل عمران و آبادانی و ساخت‌وساز بودند.»<sup>۴</sup> فعالیت‌های عمرانی بنی‌مزیدی‌ها در بابل، سوره، قصر ابن‌هبیره، نیل، جامعین و حله بسیار اهمیت داشت؛ ولی در این بین، شهر حله به جهت اقتصادی، جغرافیایی و راه‌های بازرگانی و

۱. مهدیه مهدوی کنی، معرفی و بررسی آثار و افکار سید بن طاووس، ص ۲۰-۲۱.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. ناجی الیاسری، مزیدیان؛ پژوهشی در باره اوضاع سیاسی و فرهنگی امیرنشین مزیدی اسدی در حله،

ص ۱۷.

۴. همان.

زراعت، مهم‌تر از بقیه مناطق می‌نمود. گفتنی است با وجود فعالیت‌های عمرانی مزیدیان، آنها به جهت علایق فرهنگی، زمین‌های بدوی و صحرانشینی داشتند و خواسته‌ها و سلایق قبیله‌ای مانند: علاقه به شعر، شجاعت، بخشندگی و گاه قبیله‌گرایی را همچنان در وضعیت شهرنشینی جدید حفظ کردند.<sup>۱</sup>

#### شاخص چهارم: دانش و دانشمندان در حله

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مکتب فرهنگی حله، عقل‌گرایی، نواندیشی، ابداع و نوآوری در حوزه‌های مختلف زندگی است. در دوره تأسیس مکتب فکری - فرهنگی حله (از سال ۵۶۲ تا ۶۲۰ هجری)، حلقه‌های درسی گوناگون در این شهر شکل گرفت و زمینه‌های فکری و سیاسی برای ظهور دانشمندانی همچون ابن‌ادریس (۵۹۸ هجری) فراهم گردید. علاوه بر موقعیت طبیعی و جغرافیایی شهر حله، حمایت حکام آل‌مزید از علما و شعرا، هجرت تعداد بسیاری از علما به این شهر، حضور خاندان‌های مختلف علمی در حله و دادوستد علمی میان آنها، جنبش فکری و فقهی جدید توسط علمایی همچون ابن‌ادریس، تسامح مذهبی، وجود اماکن بزرگ و مقدس در حله (مانند مقام ردّ الشمس، مقام امام علی علیه السلام، مقام امام صادق علیه السلام و مقام الغیبه)، و بعدها نیز سالم‌ماندن حله از حملات مغول‌ها آن هم در شرایط بحرانی که همه از جمله علما در پی پناهگاهی برای فعالیت علمی و دینی‌شان بودند، همگی در تأسیس و نضج فکر و فرهنگ حله در این دوره سهم مهمی داشته است.<sup>۲</sup>

حلی‌ها علاوه بر تدبیر سیاسی در جلوگیری از حملات هلاکو خان (م ۶۶۳ هجری) به این شهر، از فراست فرهنگی نیز برخوردار بودند که نمونه آن را می‌توان در کمک به

۱. خضری، «مزیدیان و نقش آنان در گسترش تمدن اسلامی»، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۶، ص ۶۸.

۲. عوض، الحوزة العلمية في الحلة نشأتها وانکماشها الأسباب والنتائج، ص ۱۴۵-۱۷۸.

ساکنان بغداد و ارائه غذا در برابر کتاب (به عنوان ثمن) مشاهده کرد.<sup>۱</sup> بدین شکل، آنها توانستند میراث علمی و اسلامی را حفظ نموده و کتاب‌های آمده از بغداد را موضوع درس و بحث قرار بدهند. «این امر، موجب شد مکتب علمی و فقهی حله متحول شود و پایه‌های مذهب امامی در حله توأم با نجف اشرف، شهر امام علی علیه السلام و مرکز علوم امامیه، تحکیم یابد.»<sup>۲</sup>

رشد اندیشه سیاسی علمای مسلمان حله، در طول تاریخ تبلور بیشتری داشته است؛ ولی اندیشه اجتماعی، فرهنگی و گاه تمدنی آنها تبلور و یا انعکاس لازم را نداشته است. در آن زمانه که تحولات سیاسی بر دیگر تحولات اجتماعی سایه انداخته بود، دغدغه علمای دینی به تبع، به ابعاد سیاسی جامعه معطوف بود. با این همه، گزاره‌ها و یا نوشته‌هایی از آن دوران و از علمای اسلام وجود دارد که می‌توان هریک را به عنوان ایده‌های فرهنگی و اجتماعی و گاه تمدنی تلقی کرد. یکی از این مقولاتی که در اندیشه علمای شیعه بازتاب پیدا کرده است، ضرورت وجود زندگی مدنی و اجتماعی انسان است. ضرورت نظم، قانون، قانون‌گذار و مجری قانونی در ایجاد نظم و انضباط مدنی، ریشه در همین بعد اجتماعی انسانی در ادبیات علمای شیعه دارد. موضع‌گیری سیدبن طاووس هم آنجا که در پاسخ به هولاکوخان در مدرسه مستنصریه که پرسید: آیا سلطان کافر عادل بهتر است یا سلطان مسلمان جائز؟<sup>۳</sup> برخاسته از چنین رویکردی بوده است.

۱. کرکوش، تاریخ الحله، ج ۱، ص ۷۵.

۲. ناجی الیاسری، مزیدیان؛ پژوهشی در باره اوضاع سیاسی و فرهنگی امیرنشین مزیدی اسدی در حله، ص ۲۴۴.

۳. کرکوش، تاریخ الحله، ص ۷۴.

ابوعبدالله محمد بن ادریس (۵۴۳-۵۹۸ق) نیز به حقوق متقابل میان مردم و حکام اشاره نموده و حقوق اقلیت‌ها و مخالفان و شرایط حقوق اهل ذمه را برمی‌شمارد.<sup>۱</sup> محقق حلی (۶۰۲-۷۶۶ق) ادامه‌دهنده حرکت فکری و فقهی ابن ادریس، البته با دامنه و تأثیرگذاری بیشتر بود. محقق حلی روابط میان مردم و حکام، شیوه تعامل مسلمانان با گروه‌های غیرمسلمان و همین‌طور عدالت و مصلحت را مورد تأکید قرار داد. علاوه بر این، محقق حلی به رابطه میان عقل و وحی تأکید نمود و تحصیل و تأمین راه سعادت در زندگی را در گرو التزام به عقل و وحی در مقام نظر و عمل دانست و بر ضرورت تفقه در دین، به‌ویژه در هنگام عدم دسترسی به امام و نبی تأکید کرد.<sup>۲</sup> افزون بر ابعاد فکری و جهات شخصیتی محقق حلی، وی هدایت علمی حوزه علمیه حله را آن هم زمانی که مراکز علمی شیعه به سبب حملات سهمگین مغول آسیب دیده بود، بر عهده گرفت. وی حوزه علمیه حله را رونق داد و علاوه بر پژوهش در اصول و مبانی فقه، شاگردان نخبه‌ای پرورش داد.<sup>۳</sup> کرسی درس وی، دارای چنان رونق علمی بود که چهارصد نفر از مجتهدان در آن شرکت می‌کردند. این رویه بعد از محقق حلی هم ادامه پیدا کرد و توسعه یافت؛ به‌گونه‌ای که در همان قرن در درس علامه حلی (۶۲۹-۷۲۶ق) پانصد مجتهد شرکت

۱. ابن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. محقق حلی، المعترفی شرح المختصر، ج ۱، ص ۱۸-۱۷.

۳. مانند: علی نجم‌الدین بن عمر بن علی کاتبی قزوینی شافعی، معروف به دبیران (ت ۶۷۵ق) صاحب کتاب مجالس المؤمنین. وی از بزرگان علمای شافعی‌مذهب بود و در حکمت و منطق، تألیفات فراوانی داشت. او از شاگردان محقق حلی و استاد علامه حلی بوده است. (امین، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۰۲)؛ و محمد جمال‌الدین ابوجعفر بن علی قاشی (ت. قرن ۷ه) که از سرزمین فارس وارد حله شده و از محقق حلی استماع حدیث نموده است. (حرّ عاملی، امل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۹؛ نیز رک: صدر، تکملة أمل الآمل، ج ۴،

می‌کردند.<sup>۱</sup> این رویداد بزرگ علمی، باعث شد حله به یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی در سرزمین‌های اسلامی بدل شود و به دنبال آن تحولات گسترده فرهنگی در حله به وجود آید.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از علمای مؤثر فرهنگی در حله، سیدبن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق) بود. سیدبن طاووس، به لحاظ فرهنگی و اجتماعی چند ویژگی دارد که او را برجسته کرده است. ویژگی اول، دعانگاری و گاه انشای دعاست که نوعی از فرهنگ معنوی را به جامعه شیعی آن روز در حله و در پیرامون آن تزریق کرد. ویژگی دیگر، نوشته‌های شورانگیز تاریخی ایشان در مورد عاشورا و نوشتن کتاب‌های رثایی در این زمینه است. ویژگی سوم نیز حضور و ورود وی به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی زمانه خود می‌باشد. نکته مهم اینکه اگر فرهنگ عرفانی و معنوی برخاسته از تلاش سیدبن طاووس را به فرهنگ عقلانی برآمده از تلاش محقق حلی و قبل از آن، ابن‌ادریس ضمیمه کنیم، بی‌شک، غنای عقلانی و معنوی حرکت عرفا و فقها در حله و آثار فرهنگی آن، به‌خوبی جلوه خواهد کرد. علامه حلی، از بزرگ‌ترین علما و مؤلفان امامیه در علوم فقه، اصول، کلام، فلسفه، حدیث، تفسیر، ادبیات عرب، ریاضی و رجال بوده است. فضل او به اندازه‌ای بوده که بزرگان و محققان از وی با عناوینی همچون: علامه، علامه الدهر، علامه علی‌الإطلاق، محقق نکته‌دان و رئیس امامیه در معقول و منقول یاد کرده‌اند.<sup>۳</sup> پدر وی، مردی شجاع و باتدبیر بود که توانست هلاکوخان مغول را از تعدی به شهرهای: نجف، کربلا و حله باز دارد و برای هلاکو کتاب البشارة را نوشته و به وی هدیه دهد.<sup>۴</sup>

۱. طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۲۸؛ رک: صدر، تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، ص ۲۷۰.

۲. همان، ص ۲۷-۲۸.

۳. ابن‌داود حلی، کتاب الرجال، ص ۱۱۹.

۴. ابن‌عنه، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۷۰.



بهره‌گیری علامه حلی از علمایی مانند: خواجه نصیر (۵۷۹-۶۷۲ق) در حکمت و فلسفه، شمس‌الدین محمد کیشی (۶۱۵-۶۹۴ق) در آشنایی با آثار و افکار ابن‌عربی، برهان‌الدین نسفی (متوفای ۶۷۸ق) در جدل، جمال‌الدین بن‌ایاز نحوی (متوفای ۶۴۹ق) در علم صرف و نحو، عزالدین ابوالعباس واسطی (متوفای ۶۹۴ق) در حکمت اشراق، و تقی‌الدین صباغ کوفی در تفسیر، سید احمد بن موسی بن طاووس (۶۷۳ق)، ابن میثم بحرانی (۶۳۶-۶۷۹ یا ۶۹۹ق) و همچنین بسیاری از دانشمندان مذاهب دیگر، در شکل‌گیری شخصیت کم‌نظیر او مؤثر بود. بدین سبب، علامه را نقطه اوج عدم‌تعصب در تفکر امامیه تلقی کرده‌اند.<sup>۱</sup> علامه حلی، در مناظرات با علمای اهل سنت هرگز راه به جدل نمی‌برد، به صحابه توهین نمی‌کرد و اگر کسی چنین می‌کرد، او را از آن کار منع می‌نمود. همین روش علمی و اخلاقی علامه حلی، باعث شد اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶ هجری) تشیع را انتخاب کند و به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام روی آورد.<sup>۲</sup> علاوه بر شخصیت‌های فوق، بزرگان فراوان دیگری هم در حله بوده‌اند که ذکر نام یک‌یک آنها در این نوشته کوتاه، ممکن نیست.

علاوه بر تأثیر علمای حله، نقش ساختار حوزه‌های علمیه به‌عنوان یک نهاد علمی و فرهنگی در تغییر و تحولات فرهنگی و تمدنی آن عصر نیز جدی است. پیش از ظهور حوزه علمیه حله، حوزه‌ها و مدرسه‌های: مدینه، کوفه، قم و بغداد در دوره آل‌بویه سهم فکری، فرهنگی و دینی در جامعه پیرامون خود داشته‌اند. حوزه علمیه حله، قبل از ظهور ابن‌ادریس در دوره بنی‌مزید شکل گرفت و ادامه پیدا کرد.<sup>۳</sup>

۱. دائرة المعارف (دانشنامه) تشیع، ج ۱۱، ص ۳۵۵-۳۵۶.

۲. همان.

۳. عوض، الحوزة العلمية في الحلة نشأتها وانکماشها الأسباب والنتائج، ص ۱۰۸.

نقش حوزه علمیه، نه صرفاً به‌عنوان یک نهاد دانشی، بلکه در جایگاه یک نهاد فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی در شهر حله برجسته است. محتوای دروس، روش تدریس، ساختار حضور و غیاب طلاب و چگونگی تدریس مکاتبه‌ای و یا شفاهی و همچنین مناظره‌ها و گفت‌وگوهای علمی در کنار سلسله‌مراتب موجود در مدرسه‌های علمیه، همگی دارای بازتاب‌های فرهنگی در شهر حله بوده‌اند. همچنین، محل جغرافیایی مدارس و برگزاری گفت‌وگوهای علمی در دربار خلفا و مجالس امراء (رابطه میان دانش و قدرت، و یا فرهنگ و قدرت)، همه دارای آثار فرهنگی و اجتماعی داشته است.

در شهر حله، مجالس درس، گرد استاد آن درس تشکیل می‌شد و آن مکان به اسم مدرّس مربوط، نام‌گذاری می‌شد؛<sup>۱</sup> اما برخی از محققان، مجالس علمی مدرسان را مجالسی در صحنی بزرگ که اطراف آن اتاق‌هایی بوده، دانسته‌اند.<sup>۲</sup> علاوه بر این مجالس، مدارس مخصوص به درس و تدریس در حله نیز مورد اشاره قرار گرفته است. اسامی چهار مدرسه از این مدارس، عبارت است از:

۱. مدرسه زینیه که گاه به نام مدرسه زینبیه و یا مدرسه دینیه در قرون هفتم و هشتم هجری ذکر شده است. این مدرسه، در کنار مقام صاحب الزمان در حله بوده است. اطلاعات ما از این مدرسه، مرهون نسخ خطی نوشته‌شده در این مدرسه است؛<sup>۳</sup>
۲. مدرسه شرعیه که در ترجمه شیخ احمد ابن فهد حلی آمده است؛<sup>۴</sup>

۱. آل‌یاسین، *مناجات تاریخیة لحركة الفكر فی الحلة*، ص ۵۹.

۲. عبود الموساوی، *البيوتات العلمیة فی الحلة؛ دراسة فی آثارها الفکریة فی القرنین السابع والثامن الهجریین*، ص ۹۸ و ۷۷.

۳. رحمتی، «مدرسه زینیه حله»، *میراث شهاب*، شماره سوم و چهارم، ص ۱۵۹-۱۶۰.

۴. کرکوش، *تاریخ الحلة*، ص ۱۰۵؛ نیز ر.ک: وتوت الحسینی، *مدرسة الحلة وتراجم علمائها من النشوء الی القمّة*، ص ۵۰.

۳. مدرسه امام صاحب الزمان؛<sup>۱</sup>

۴. مدرسه ابن‌الفرقیه یا مدرسة السبیط.<sup>۲</sup>

علاوه بر این مدارس، مساجدی مانند مسجد الجمجمه و عبدالسمیع فیاض، و مقامات مختلف همچون: مقام امام علی علیه السلام، مقام امام صادق علیه السلام، مقام صاحب الزمان علیه السلام و مقام ردّ الشمس، در این موج فکری و علمی در جامعه حله نقش داشت و در هریک از آنها، دروس و جلسات علمی برگزار می‌شد.<sup>۳</sup> مقام صاحب الزمان در حله، یک مقام مذهبی و معنوی صرف نبود؛ بلکه فعالیت‌های فکری متعددی مانند عملیات استنساخ کتب، در آن انجام می‌شد.<sup>۴</sup> وجود چنین اماکن معنوی برای تعلیم و تعلم، باعث شده بود که علم و دانش در حله، رنگ معنوی به خود بگیرد و با معنوی‌شدنش، به آستانه فرهنگی‌شدن نزدیک‌تر شده، در زندگی روزمره جای پیدا کند.

یکی دیگر از مکان‌های آموزشی در حله، منازل مسلمانان از جمیع طوایف اسلامی است. از مهم‌ترین منازل و بیوت علمی حله، می‌توان به: بیت شیخ احمد بن فهد احسائی حلی، بیت شیخ احمد متوج بحرانی، بیت شیخ علی بن حسن بن علاله حلی و دیگران اشاره کرد. علاوه بر مدارس و مساجد و منازل، کتاب‌فروشی‌ها، کتابخانه‌ها و برخی از جاهای غیررسمی مانند دکان‌ها نیز مکانی برای فعالیت‌های درسی و جلسات علمی مکتب حله بوده است.<sup>۵</sup>

۱. رحمتی، «مدرسه زینیه حله»، میراث شهاب، شماره سوم و چهارم، ص ۱۶۰.

۲. وتوت الحسینی، مدرسة الحلة وتراجم علمائها من التشوء الى القمة، ص ۵۱.

۳. عوض، الحوزة العلمية في الحلة نشأتها وانكماشها الأسباب والنتائج، ص ۲۰۱.

۴. الشمري، الحياة الفكرية في الحلة خلال القرن التاسع الهجري، ص ۱۷۳.

۵. هناء كاظم خليفه الربيعي، اثر مدينة الحلة على الحياة الفكرية في العراق من القرن سادس الى نهاية القرن

الثامن الهجريين، ص ۹۲-۹۹.

در هر حال، چه این مدارس و مجالس و مکان‌های مختلف آموزشی، سیار و استادمحور بوده باشد و چه اینکه ثابت و مرکز محور بوده باشد، نقش آن نه صرفاً به‌عنوان یک نهاد دانشی، بلکه به‌صورت یک نهاد فرهنگی و اجتماعی، مهم و برجسته بوده است. علاوه بر این، موضوعاتی چون چگونگی درس‌ها و روش‌های آموزش (حضور، غیابی، مکاتبه‌ای و یا شفاهی)، برقراری جلسات مناظره و نیز وجود سلسله‌مراتب آموزشی و تعلیمی در حله، از جمله موارد مهمی است که بدون شک بازتاب‌های فرهنگی داشته است.<sup>۱</sup>

یکی از ویژگی‌های مهم در علوم اسلامی و عالمان مسلمان در حله، پاسخ‌گویی علما به مسائل فقهی و نیازهای اجتماعی زمانه خود بوده است. *جوابات المسائل الشامیة الأولى* از ابن‌فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ق) برای پاسخ به مسائل مکلفان در سرزمین‌های شام بود. همین‌طور، *جوابات المسائل البحرانیة* (البحرانیات) پاسخ ابن‌فهد به مسائل مکلفان در بحرین بوده است که نسخه خطی آنها در کتابخانه آستان قدس و کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.<sup>۲</sup> مفلح‌بن‌حسن صیمری (ت ۸۸۰ق/۱۴۷۵م) مؤلف کتاب *جواهر الکلمات فی العقود والایقاعات*، در مقدمه کتاب، علت نوشتن این اثر را چنین بیان می‌کند که برخی از دوستان تقاضا کردند من صیغه‌های عقود و ایقاعات را در ورقه‌های کوچکی بنویسم که اهل معامله از آن استفاده کنند و من چاره‌ای جز پذیرش این تقاضا نداشتم و برای همین، چنین کتابی را تألیف کردم.<sup>۳</sup> از این نصوص استفاده می‌شود که نیازهای فقهی و دینی از

۱. الشمری، *الحیة الفکریة فی الحلة خلال القرن التاسع الهجری*، ص ۲۸۸-۲۹۵.

۲. همان، ص ۳۳۷.

۳. صیمری، *جواهر الکلمات فی العقود والایقاعات*، ورقه ۱، به نقل از: الشمری، *الحیة الفکریة فی الحلة*

خلال القرن التاسع الهجری، ص ۳۴۲.

سوی جامعه به علما انعکاس می‌یافته و عامل شکل‌گیری برخی از کتاب‌ها و رسائل علمی بوده است.<sup>۱</sup>

در این باره، ارتباط میان نهاد ثروت و نهاد علم در حله نیز مهم بوده است. بسیاری از متمولان و متمکنان، به طلاب علوم دینی کمک مالی می‌کردند. پرواضح است که چنین حمایتی از نهاد علم و عالم، باعث رونق علم از یک سو، و حضور علم و عالم در ساحات فرهنگی و اجتماعی و اثرگذاری در زندگی روزمره می‌شد.<sup>۲</sup> علاوه بر حمایت مالی متمولان و ثروتمندان از نهاد علم در حله، مدارس حله هم مستقل بوده و بر اوقاف و حقوق دینی متکی بودند و این امر، باعث شده بود که حوزه‌های علمیه از تأثیرات قدرت سیاسی که پیوسته در حال تغییر بود، تا حدی دور و آزاد بمانند.<sup>۳</sup>

نکته مهم و مدرنی که در مقوله دانش در حله باید مورد توجه قرار بگیرد، رحله و سفر علمی در حله بوده است.<sup>۴</sup> شهر حله، یکی از شهرهایی بوده که بسیاری از علما در آن رشد پیدا کردند و بدین سان، این شهر یکی از مقاصد سفرهای علمی طلاب واقع شد و طلاب و علمای بسیاری از شهرهای مختلف عراق و دیگر شهرهای اسلامی، به این شهر سفر کردند. برخی از مهاجران علمی، در حله ساکن شدند و همانجا از دنیا رفتند و بعضی از آنها در حال تردد بودند و مکرر به حله رفت‌وآمد می‌کردند. آنها در حله علاوه بر درس و تدریس، کتاب‌های متعددی تألیف نمودند که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. همان، ورقه ۳-۴.

۲. افندی، الفوائد الطریفه، ص ۶۵۶؛ الشمري، الحیاة الفکرية فی الحلة خلال القرن التاسع الهجرى، ص ۲۹۵-۲۹۶.

۳. همان، ص ۲۹۷.

۴. همان، ص ۱۱۸.

– محمد ابوجعفر رشیدالدین بن علی بن شهر آشوب بن ابی نصر بن ابی الجیش مازندرانی (ت ۵۸۸ق). وی مازندران را ترک کرد و به شهرهای مختلف رفت تا به شهر حله رسید و مدت زمانی را در آنجا اقامت کرد؛<sup>۱</sup>

– شیخ عمادالدین ابوجعفر محمد بن ابی القاسم علی بن محمد طبری (ت ۵۲۵ق/۱۱۳۰م). او از علمای امامیه در قرن ششم هجری و از فقها و محدثان این عصر بود. شیخ عماد، سفرهای متعددی به دیگر بلاد اسلامی داشته است که از آن جمله، سفر به شهر حله و اقامت در آن به مدت دو سال است. نکته مهم در مورد ایشان اینکه، طلبه‌هایی از بغداد، کوفه و دیگر نواحی برای استفاده از ایشان به حله می‌آمدند؛<sup>۲</sup>

– زهیر بن محمد بن احمد بن ابی سعد اصفهانی (ت ۵۸۰ق/۱۱۸۴م). وی نخست به بغداد رفت و از آنجا به شهر حله وارد شد و در آن به درس مشغول شد. او سپس به مدینه منوره رفت و از آنجا به وادی عروس عزیمت کرد و همانجا نیز از دنیا رفت؛<sup>۳</sup>

– علی بن عبد الله بن ابی حسن اردبیلی (ت ۷۴۶ق/۱۳۴۵م). او در نجو، حساب و هندسه از برخی علمای حله درس گرفت و از بعضی نیز اجازه دریافت کرد. وی در مسافرت‌های خود به مشهد، بغداد، حله و مراغه سفر کرد و کتاب‌های متعددی استنساخ کرد.<sup>۴</sup> جالب اینکه به موجب اقامت و تردد متعدد این افراد در شهر حله، به آنها «حلی» اطلاق می‌شد؛ با آنکه آنها اهل بحرین، حلب و دیگر شهرهای اسلامی بودند.<sup>۵</sup>

۱. خوانساری، *روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات*، ج ۶، ص ۲۹۰.

۲. افندی، *ریاض العلماء*، ج ۴، ص ۷۴.

۳. بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

۴. اسلامی، *تاریخ علماء بغداد*، ص ۱۴۶-۱۴۸؛ عسقلانی، *الدرر الكامنة*، ج ۳، ص ۷۲-۷۳.

۵. الشمیری، *الحیة الفکرية فی الحلة خلال القرن التاسع الهجری*، ص ۱۱۸.

## شاخص پنجم: جایگاه زنان

برخی از محققان نتوانسته‌اند اطلاعاتی در مورد نقش زنان در حرکت فکری و فرهنگی حله پیدا کنند؛<sup>۱</sup> ولی بعضی دیگر در این باره نکاتی متذکر شده‌اند که قابل تأمل است. از این منظر، تحصیل علوم در حله منحصر به مردان نبوده؛ بلکه زنان نیز نقش مهم و فعالی در بنای مدرسه حله داشته‌اند.<sup>۲</sup> این بدان سبب بوده است که تعالیم اسلامی، تعلیم و تعلم را به زنان نیز توصیه نموده است؛ به طوری که تعلیم زنان، اساس و پایه در ساخت تمدن‌های مختلف بوده است. از سوی دیگر، بسیاری از علما و فقهای حله بر تعلیم دختران حریص بودند و همین باعث شد که از میان زنان، عالمه‌هایی ظهور کنند. نکته جالب اینکه برای دختران علما و بزرگان، امکانات علمی و آموزشی مجزا و متفاوت از زمینه‌های علمی و آموزشی پسران وجود داشته است.<sup>۳</sup> همین طور برای زنان، این امکان وجود داشت که از شیوخ علما در منازل خاصی که بدین منظور اختصاص یافته بود، بهره برده و سماع حدیث کنند. بیشتر متعلمان از زنان، از بیوت علما (مادران، همسران و دختران علما) بودند و از درس‌هایی که در بیت خودشان برگزار می‌شد، استفاده می‌کردند. علاوه بر این، زنانی از خارج از حله به این شهر می‌آمدند و از همسران، دختران و گاه خود علما بهره علمی می‌بردند و حتی به کسب اجازه از آنها موفق می‌شدند.<sup>۴</sup> به طور کلی، حلقه‌های نسائیه، نقش مهمی در آموزش زنان داشتند. در این حلقه‌ها، برخی از شیوخ و یا حتی وعاظ زن<sup>۵</sup> به اقامه درس می‌پرداختند که از جمله نمونه‌های آن می‌توان به مجلس

۱. همان، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۲. بیداء علیوی، الحلة فی العهد الجلائری، ص ۱۲۱.

۳. ایمان عبید وناس، «الصلوات الثقافیة بین الحلة ومدن الشرق الاسلامی من خلال الرحلات العلمیة من

القرن السابع حتی نهاية القرن التاسع الهجرین»، ص ۱۰۰ - ۱۰۲.

۴. همان.

۵. العسیری، الحیة العلمیة فی العراق فی العصر السلجوقی، ص ۲۱۶.

درس شیخه شهده بنت‌الابری بغدادی (ت ۵۷۴ق/۱۱۷۸م) اشاره کرد که علوم مختلف را تدریس می‌کرد؛ تا اینکه به یکی از بزرگان زمانه خود تبدیل شد؛ به گونه‌ای که کسانی مانند شیخ عبدالکریم السمعانی (ت ۵۶۳ق/۱۱۶۷م) و عبدالرحمن بن الجوزی (ت ۵۹۷ق/۱۲۰۰م) از ایشان درس گرفتند.<sup>۱</sup> علاوه بر ایشان، در شهر حله، اعلام و مشاهیر دیگری از زنان بوده‌اند که ذکری از آنها در تاریخ آمده است:

۱. مادر رضی‌الدین علی و جمال‌الدین احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس که خواهر مادر ابن‌ادریس بود و آنها در واقع دختران شیخ ورام بن ابی‌فراس جاوانی (ت ۵۰۵ق) بوده‌اند. دختر وی، شیخه شرف‌الأشراف نیز فردی فاضله و صالحه بود که از والد خود رضی‌الدین، و خواهرش فاطمه، اجازه روایت حدیث دریافت کرد.<sup>۲</sup>
۲. فاطمه، دختر سید علی بن طاووس که حافظ قرآن بود؛ در حالی که هنوز به نه سالگی نرسیده بود.<sup>۳</sup>
۳. مادر ابن‌ادریس، دختر مسعود ورام که زنی فاضل و صالح بوده است.<sup>۴</sup>
۴. همسر ابی‌الفوارس محمد بن فخرالدین علی بن محمد بن احمد اعرجی که خواهر علامه حلی بوده است.<sup>۵</sup>
۵. فاطمه کبری که همسر سید علی عریضی و دختر محمد ارقط بن عبدالله باهر بوده است.<sup>۶</sup>

۱. المامقانی، تنقیح‌المقال، ج ۸، ص ۴۸؛ نیز ر.ک: ایمان عبید وناس، «الصلوات الثقافية بين الحلة ومدن الشرق الاسلامی من خلال الرحلات العلمية من القرن السابع حتى نهاية القرن التاسع الهجريين»، ص ۱۰۰ - ۱۰۲.

۲. افندی، ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، ج ۵، ص ۴۰۸.

۳. همان.

۴. عوض، معجم اساتذة و طلبية حوزة الحلة العلمية، ص ۵۸.

۵. همان، ص ۱۶۶؛ نیز ر.ک: حائری، تراجم اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۱۱.

۶. عوض، معجم اساتذة و طلبية حوزة الحلة العلمية، ص ۱۲۲.



۶. همسر عمیدالدین بعد المطلب (ت ۷۵۴ق) که دختر سید حسین بن قاسم بن معیه (ت ۷۷۶ق) بوده است.<sup>۱</sup>
۷. فاطمه، دختر شهید اول، محمد بن مکی (۷۸۶ق) که به «أمّ حسن» معروف بود. فاطمه، یکی از مشایخ شش گانه است که فردی فاضل بود. وی از ناحیه پدرش اجازه داشت و به دست پدر خود در حله درس خوانده بود.<sup>۲</sup>
۸. دختر شیخ احمد بن رمیثه بن ابی نما (حاکم حله).<sup>۳</sup>
۹. خواهر علامه حلی و همسر فقیه مجدالدین ابی الفوارس محمد بن فخرالدین حسینی نیز از جمله عالمان این دوره بوده است.<sup>۴</sup>
۱۰. همسر عمیدالدین عبدالمطلب بن مجدالدین محمد، بنت فخرالدین الحسن بن القاسم بن الحسین بن معیه (ت. قرن ۱۳/۵۷م) که از اعلام و بزرگان زنان در آن دوره بود.<sup>۵</sup>
۱۱. فاطمه، دختر شیخ محمد بن احمد بن عبدالله بن حازم العکبری که عالمه و فاضله و فقیهه بوده است و سید محمد بن معیه (ت ۷۷۶ق/۱۳۷۴م)، از ایشان روایت کرده است.<sup>۶</sup>
- از جمله زنانی که به حله سفر کردند و در آنجا تعلیم دیدند، عبارت‌اند از: فقیهه أم علی، همسر محمد بن مکی العاملی (شهید الأول)<sup>۷</sup> و دختر وی، فاطمه که همراه با برادران

۱. همان، ص ۱۲۲ و ۱۶۶؛ نیز ر.ک: حائری، تراجم اعلام النساء، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲. افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۰۶.

۳. عوض، معجم اساتذة وطلبة حوزة الحلة العلمية، ص ۲۴۷-۲۵۰.

۴. محمدحسین الأعلمی حائری، تراجم اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۱۱.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۳۹.

۶. افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۰۶.

۷. همان، ص ۴۰۴.

خود شاگردی کرده و به اجازاتی از فقهای زمانه در حله دست یافت. پدر وی، زنان را در کسب مسائل و احکام فقهی به ایشان ارجاع می‌داد.<sup>۱</sup>

#### شاخص ششم: ادبیات در حله

فرهنگ شعر، همواره در فرهنگ عربی حضور و نفوذ داشته و در زندگی روزمره عرب‌ها حاضر بوده است؛ تا جایی که به گفته برخی محققان: «معاجم عرب‌ها، به جای اینکه معاجم ابجدی باشد، معاجم قافیه است.»<sup>۲</sup> از این رو، به تعبیر کرکوش حلی: «شعر در فرهنگ عربی آن زمان، مانند روزنامه در این زمان بود که تأثیر شدیدی بر نفوس مردم می‌گذاشت.»<sup>۳</sup> علاوه بر این، مقام و موقعیت شعرا، به خصوص در دوره بنی‌مزیدیان، در حله بسیار برجسته بوده و آنها از حمایت شعر سیاسی شعرا بهره‌مند بودند. در دوره شکوفایی حله نیز بسیاری از شعرا به این شهر هجرت کردند و در آن اقامت گزیدند. شعر در شهر حله، از زمان شکل‌گیری اش حاکی از شعور و احساس مردم در حله بوده و در طول قرون گذشته، عنوان و نشان فرهنگ حلی‌ها بوده است. اساساً، نهضت ادبی و حمایت‌هایی که از شعر و شاعری در این شهر وجود داشت، موجب رشد شاعران شیعی در حله شده بود. در نتیجه، فرهنگ شعر در حله، شامل همه اقشار و طبقات می‌شد که در آن نه فقط شعرا و ادبا، بلکه امرا، فقها و دانشمندان حله نیز مشارکت داشتند. حمایت از شعر و فراگیری آن در میان طبقات مختلف، میزان اثرگذاری فرهنگی آن را افزایش می‌داد.<sup>۴</sup> بنابراین، علوم دیگر نیز در شهر حله با شعر، نزدیک و آمیخته شدند و دیگر طبقات علمی

۱. ایمان عبید وناس، «الصلات الثقافية بین الحلة ومدن الشرق الاسلامی من خلال الرحلات العلمیة من

القرن السابع حتى نهاية القرن التاسع الهجرین»، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۲. عوض، معجم اساتذة وطلبة حوزة الحلة العلمیة، ص ۱۴۲.

۳. کرکوش، تاریخ الحلة، ج ۱، ص ۷۹.

۴. طاهری‌پور، «بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حله و نقش آن در فرهنگ و تمدن اسلامی (از

سده پنجم تا سده نهم هجری)»، ص ۱۲۳.

و سیاسی حله، شامل بسیاری از علما، وعاظ و سیاستمداران حله نیز اهل ادب، هنر و شعر بودند.<sup>۱</sup>

### نتیجه

حله، برای دنیای اسلام در قرن هفتم هجری، چون آتن بود برای یونانیان در قرن پنجم قبل از میلاد. جایگاه فرهنگی حله را باید در قیاس با دیگر شهرهای فرهنگی در تاریخ تمدن‌های بشری جست‌وجو کرد و در چنین رویکردی است که می‌توان ابعاد تمدنی آن را کشف کرد. شهر بودن حله و همین‌طور شیعی بودن آن، مانع از فرایندهای تمدنی در این شهر نشد و بلکه از جهاتی موجب رشد و توسعه فرایند تمدنی در این شهر گردید. تاریخ تمدن‌ها نشان داده است که گاه مناطق کوچک به لحاظ جغرافیایی می‌توانند در سایه شخصیت‌های بزرگ فکری و فرهنگی، جهش‌های بزرگ تمدنی را موجب شوند. این حرکت تمدنی شهر حله، نه تنها با شاخص‌های مدرن و نوین جهان امروز غرب قابل مقایسه و ارزیابی است، بلکه با شاخص‌های دینی تمدن که متفاوت از شاخص‌های حداقلی و سکولار غربی است نیز می‌توان این شهر را محک زد و حرکت تمدنی در آن را اثبات کرد. بیان و توضیح این شاخص‌ها و تطبیق آن بر هریک از نقاط جغرافیایی و تاریخی در گذشته مسلمانان را باید در مقاله‌ای دیگر دنبال کرد و به اثبات مدعا و ارائه شواهد تاریخی آن پرداخت.

۱. عوض، معجم اساتذة و طلبية حوزة الحلة العلمية، ص ۱۴۴.

## منابع

۱. آل یاسین، محمد مفید، *متابعات تاريخية لحركة الفكر في الحلة*، بغداد: الجامعة المستنصرية، ۲۰۰۴م / ۱۴۲۵ق.
۲. افندی، عبدالله، *رياض العلماء وحياض الفضلاء*، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ق.
۳. —، *الفوائد الطريفة*، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مطبعة ستارة، ۱۴۲۷ق.
۴. التطيلي، بنيامين بن يونيه، *رحلة بنيامين*، ترجمه: عزرا حداد، المطبعة الشرقية، ۱۹۴۵م.
۵. امين، سيد محسن، *ايعان الشيعة*، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۶. بابائي، حبيب اله، «تنوع اسلامي در فرايند تمدني»، *تقد و نظر*، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶ش.
۷. بيداء عليوى هادى، «الحلة في العهد الجلائرى»، رساله ماجستير، دانشگاه بابل، دانشكده تربيت، ۲۰۰۹م.
۸. حائرى، محمد حسين الاعلمى، *تراجم اعلام النساء*، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۷م.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *امل الآمل في علماء جبل عامل*، بغداد: مكتبة الأندلس، بی تا.
۱۰. الحسينى، جمال الدين احمد بن على الحسينى (ابن عنبه)، *عمدة الطالب في انساب آل ابى طالب*، قم: مؤسسه انصاريان، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م.
۱۱. الحكيم، حسن عيسى، *مدرسة الحلة العلمية ودورها في حركة التأصيل المعرفى*، قم: منشورات مكتبة الحيدرية، ۱۴۳۱ق.
۱۲. حلى، ابن ادريس، *كتاب السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى*، قم: مؤسسة النشر اسلامي (جامعه مدرسين)، ۱۴۱۰ق.
۱۳. الحللى، ابى البقاء هبة الله، *المناقب المزيديّة في اخبار الملوك الاسديّة*، تحقيق: محمد عبدالقادر خريسات و صالح موسى درادكة، امارات عربى متحده: مركز زايد للتراث والتاريخ، ۲۰۰۰م / ۱۴۲۰ق.
۱۴. حلى، تقى الدين الحسن بن على بن داود حلى، *كتاب الرجال*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.

۱۵. حمزه سرحان، علی کمال، اليهود في الحلة، دراسة تاريخية لأحوالهم الاجتماعية والاقتصادية والسياسية، بغداد: دارالفرات للثقافة والأعلام في الحلة، ۲۰۱۱م.
۱۶. خصباک، جعفر حسين، العراق في عهد المغول الايلخانيين؛ الفتح، الإدارة، الأحوال الاقتصادية، الأحوال الاجتماعية، بغداد: جامعة بغداد، ۱۹۶۸م.
۱۷. خضري، سيد احمد رضا، «مزیدیان و نقش آنان در گسترش تمدن اسلامي»، مطالعات تاريخ اسلام، بهار ۱۳۹۲ش، سال پنجم، ش ۱۶.
۱۸. خطيب بغدادی، احمد بن علی، تاريخ بغداد، بيروت: دار الکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۷ق.
۱۹. خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، روضات الجنات في احوال العلماء والسادات، قم: نشر دهاقانی، ۱۳۹۰ق.
۲۰. دائرة المعارف (دانشنامه) تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۴ش.
۲۱. الربيعی، هناء كاظم خليفه، اثر مدينة الحلة على الحياة الفكرية في العراق من القرن سادس الى نهاية القرن الثامن الهجريين، جامعة بابل، مركز بابل للدراسات الحضارية والتاريخية، مبحث دوم، ۱۴۳۳ق/۲۰۱۲م.
۲۲. رحمتی، محمد كاظم، «مدرسه زینیه حله»، میراث شهاب، سال بیست و یکم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.
۲۳. السلامی، ابی المعالی محمد بن رافع، تاريخ علماء بغداد، بغداد: مطبعة الأهالي، ۱۳۵۷ق.
۲۴. سيد بن طاووس، رضی الدین، الملاحم والفتن في ظهور الغايب المنتظر، نجف: الشريف الرضي، بی تا.
۲۵. —، سعد السعود، قم: منشورات الرضي، ۱۳۶۳ش.
۲۶. —، طرائف، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۱ش.
۲۷. —، برنامج سعادت (ترجمه كشف المحجة)، تهران: المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۷۹.
۲۸. —، اليقين باختصاص مولانا علی عليه السلام بامرہ المؤمنین، قم: دار الكتاب، ۱۴۱۳ق.

۲۹. الشمری، یوسف، *الحياة الفكرية في الحلة خلال القرن التاسع الهجري*، النجف الأشرف: الطبعة الأولى، منشورات دار التراث، ۱۴۳۴ق.
۳۰. صدر، حسن، *تكملة أمل الآمل*، بيروت: دار المورخ العربي، ۱۴۲۹ق.
۳۱. صدر، سید حسن، *تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام*، قم: انتشارات اعلمی، ۱۳۷۵.
۳۲. طاهری پور، زهرا، «بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حله و نقش آن در فرهنگ و تمدن اسلامی (از سده پنجم تا سده نهم هجری)»، رساله دکتری، دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور تهران، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، مهر ۱۳۹۲ش.
۳۳. عبدالرضا عوض، *معجم اساتذة وطلبة حوزة الحلة العلمية*، حله: تراث حله، ۲۰۱۶م.
۳۴. عبود الموساوی، عطارد تقی، «البيوتات العلمية في الحلة دراسة في آثارها الفكرية في القرنين السابع والثامن الهجريين»، رساله در مقطع ارشد، دانشکده تربیت در دانشگاه بابل، رشته تاریخ، ۲۰۰۹م.
۳۵. عبید وناس، ایمان، «الصلات الثقافية بين الحلة ومدن الشرق الاسلامي من خلال الرحلات العلمية من القرن السابع حتى نهاية القرن التاسع الهجريين»، رساله ماجستير، دانشگاه بابل، دانشکده تربیت، ۲۰۰۷م.
۳۶. عسقلانی، ابن حجر، *الدرر الكامنة*، بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۷. عوض، عبدالرضا، *الحوزة العلمية في الحلة نشأتها وانكماشها الأسباب والنتائج* (۱۵۴۴م-۱۱۶۷ق/۹۵۱-۱۱۶۷م)، بابل: دار الفرات للثقافة والأعلام، ۲۰۱۳م/۱۴۳۴ق.
۳۸. کرکوش، یوسف، *تاریخ الحلة*، نجف: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م.
۳۹. محقق حلی، *المعتبر في شرح المختصر*، قم: مؤسسه سیدالشهداء، ۱۳۶۴.
۴۰. مهدوی کنی، مهدیه، «معرفی و بررسی آثار و افکار سیدین طاووس»، استاد راهنما: دکتر هادی عالم زاده، کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۴۱. ناجی الیاسری، عبدالجبار، *مزیدیان؛ پژوهشی در باره اوضاع سیاسی و فرهنگی امیرنشین مزیدی اسدی در حله*، ترجمه عبدالحسین بیوش، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.

۴۲. وتوت الحسینی، حیدر السید موسی، مدرسة الحلة وتراجم علمائها من النشوء الى القمظ، حلة: مرکز تراث الحلة، ۱۴۳۸ق.

۴۳. الهروی، ابی الحسن علی بن ابی بکر، الإشارات إلى معرفة الزیارات، دمشق: المعهد الفرنسي بدمشق للدراسات العربية، ۱۹۵۳م.

44. Tiryakian, Edward A. "Introduction : The Civilization of Modernity and the Modernity of Civilizations", *International Sociology* 2001 16: 277.

45. Szakolczai, Arpad, "Civilization and its Sources", *International Sociology* 2001 16: 369.

46. Newman, Jay, "Two Theories of Civilization", *Philosophy*, Vol. 54, No. 210 (Oct., 1979).

47. Mazlish, Bruce, "Civilization in a Historical and Global Perspective", *International Sociology* 2001 16: 293.

48. Bierstedt, Robert, Indices of Civilization, the American Journal of Sociology, Vol. 71, No. 5 (Mar., 1966).

